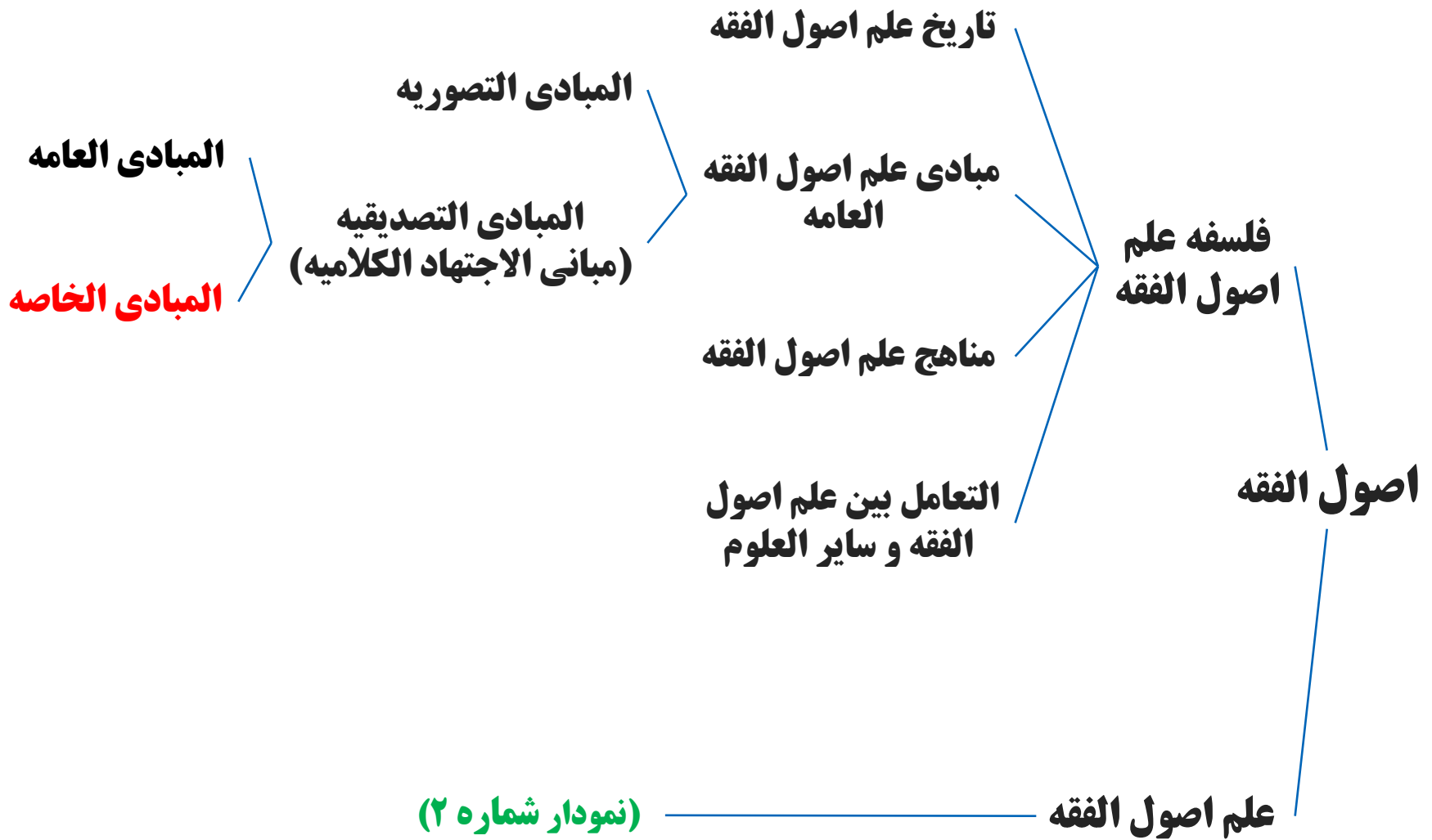


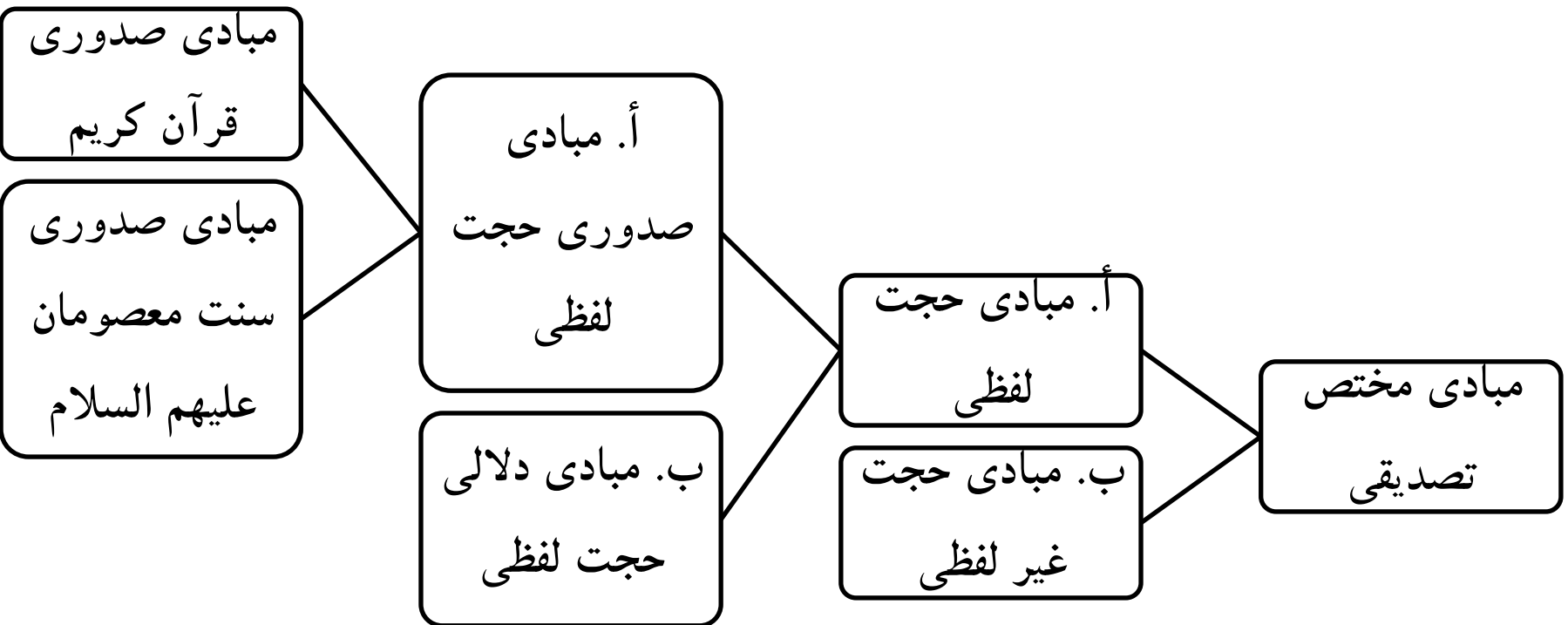
# علم أصول الفقه

۱۰-۱۱-۹۰ مبادئ مختص تصديقي ۴۱

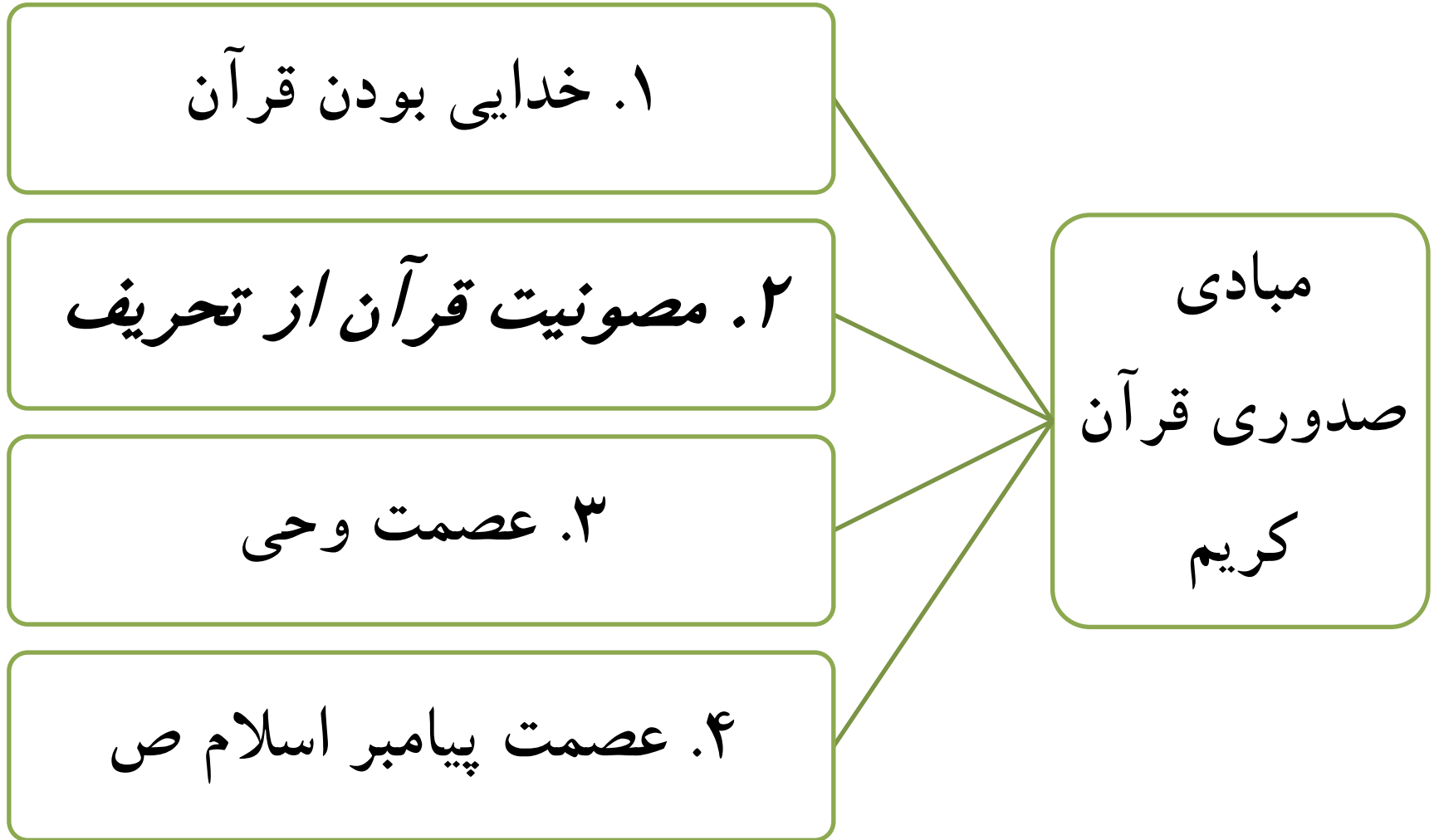
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)





# مبای صدوری قرآن کریم



## اشاره به دو بحث دیگر

- اشاره به دو بحث دیگر
- تا به حال در مورد قرآن دو بحث را پشت سر گذاشتیم:
- ۱. معانی، الفاظ، عبارات و ترکیبات، سوره‌های قرآن و ترتیب آیات و سور همگی و حیانی هستند.
- ۲. این مجموعه در طول تاریخ گرفتار هیچ گونه تحریفی نشده و در آن کاستی و افزونی و تغییری رخ نداده است.

## اشاره به دو بحث دیگر

- بحث سومی که برای حجت صدور قرآن، ضرورت دارد، بحثی است که به دو شکل قابل طرح می‌باشد:
- ا. خود وحی، طریقی مصون از خطا است.
- ب. دریافت کننده‌ی وحی در تلقی (دریافت) آن معصوم و مصون از خطا است.
- و از آنجا که منشأ پیدایش این بحث، داستان غرانیق است، ما در ابتدا به داستان و سپس به ترتیب به هر یک از این شکل‌ها می‌پردازیم.

## داستان غرائق

- در کتب تفسیری و تاریخی اهل سنت مثل تفسیر طبری، تاریخ طبری و در منشور سیوطی، داستانی نقل شده که به داستان غرائق معروف است. این داستان که منشأ پیدایش برخی افکار در بین مسلمانان گشت و کتاب آیات شیطانی بر اساس آن نوشته شد، به شرح زیر است:

## داستان غرانیق

- رسول اکرم صلی الله علیه و آله از اختلاف در بین قریش که برخی ایمان آورده بودند و برخی بر شرک باقی بودند، ناراحت بود و دوست داشت اتحاد و یکپارچگی این قبیله که قبیله‌ی خودش بود، محفوظ باقی بماند. روزی کنار کعبه بود که آیات مربوط به سوره‌ی نجم بر او نازل شد.



## داستان غرائق

- وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ (۱) مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲) وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴) عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۵) ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ (۶) وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ (۷) ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ (۸) فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۹) فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ (۱۰) مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (۱۱) أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (۱۲) وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵) إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ (۱۶) مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۱۷)

## داستان غرانیق

- لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (١٨) **أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (١٩) وَ**  
**مَنَاةَ الثَّلَاثَةَ الْأُخْرَى (٢٠) أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى (٢١) تِلْكَ إِذَا**  
**قَسَمَ ضِيزَى (٢٢) إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ**  
**اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ**  
**جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى (٢٣)**

## داستان غرائق

- حضرت همان طور که آیات نازل می‌شد، با صدای بلند قرائت می‌فرمود تا این که حضرت به تلاوت آیات زیر رسید: **أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹) وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰)**.
- در اینجا بود که شیطان این عبارات را بر زبان حضرت جاری کرد: **تلك الغرائق العلی و إن شفاعتھن لترتجی**
- **غرائق** جمع غرنوق است و غرنوق به معنای **قو** (پرنده‌ی زیبا) می‌باشد که در ادبیات عرب همچون ادبیات سایر زبان‌ها، برای بیان زیبایی به کار می‌رفته و می‌رود. مراد از این دو عبارت این است که این سه بت (لات و منات و عزی)، قوهای آسمانی و برجسته هستند که امید به شفاعت آنها می‌رود. این مطلب همان مضمون مورد اعتقاد مشرکان بود.

## داستان غرائق

- مشرکان که در اطراف حضرت بودند، با شنیدن این عبارات که در آنها، اسم سه بت بزرگ قریش و مسأله‌ی شفاعت آنها مطرح شده بود، خوشحال شدند، دست از خصومت با حضرت برداشتند و با مسلمانان آشتی کردند.
- از آن سو، مسلمانان نیز از برطرف شدن اختلاف شادمان گشتند. خبر این جریان به حبشه رسید. مسلمانانی که به خاطر فشار مشرکان به حبشه هجرت کرده بودند، با شنیدن این خبر، به مکه بازگشتند و در کنار مشرکان، زندگی خوب و دوستانه‌ای را آغاز نمودند.

## داستان غرانیق

- سپس در دنباله‌ی داستان نقل می‌شود که:

- شب هنگام وقتی حضرت به خانه بازگشت، جبرئیل بر او نازل شد و از حضرت خواست تا آیاتی را که صبح تلاوت نموده، دوباره بخواند. حضرت شروع به خواندن کرد. وقتی به همان دو آیه‌ی شیطانی رسید، جبرئیل با لحن تندی فریاد کشید: ساکت باش، اینها جزو وحی الهی نبود؛ آنها کلماتی بود که شیطان بر زبان تو جاری نمود. حضرت بسیار ناراحت شد و...

## داستان غرانيق

- و أخرج ابن أبي حاتم عن محمد بن كعب القرظي رضي الله عنه قال انزل الله وَ النَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ فَقَرَأَ عَلَيْهِمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَذِهِ الْآيَةُ أَمْ فَارَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ فَالْقَىٰ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ كَلِمَتَيْنِ **تلك** **الغرانيق العلى و ان شفاعتهن لترتجى** فقراً النبي صلى الله عليه وسلم ما بقى من السورة و سجد فانزل الله وَ إِن كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِىْنَا إِلَيْكَ الْآيَةَ فَمَا زَالٍ مَّغْمُومًا مَّهِمُومًا حَتَّىٰ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ الْآيَةَ

## داستان غرائق

- و في الدر المنثور، أخرج ابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن مردويه بسند صحيح عن سعيد بن جبیر قال: "قرأ رسول الله ص بمكة النجم فلما بلغ هذا الموضع - «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» - ألقى الشيطان على لسانه «تلك الغرائق العلى - و إن شفاعتهن لترتجى» قالوا: ما ذكر آلهتنا بخير قبل اليوم - فسجد و سجدوا.

## داستان غرانیق

- ثم جاء جبريل بعد ذلك قال: أعرض على ما جئتكم به - فلما بلغ «تلك الغرانيق العلى و إن شفاعتهن لترتجى» قال جبريل لم آتكم بهذا. هذا من الشيطان فأنزل الله - «و ما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ». الآية.



## داستان غرائق

- أقول: الرواية مروية بطرق عديدة عن ابن عباس و جمع من التابعين و قد صححها جماعة منهم الحافظ ابن حجر.

## داستان غرائق

- لكن الأدلة القطعية على عصمته ص تكذب متنها و إن فرضت صحة سندها فمن الواجب تنزيه ساحته المقدسة عن مثل هذه الخطيئة مضافا إلى أن الرواية تنسب إليه ص أشنع الجهل و أقبحه فقد تلى «تلك الغرائق العلى و إن شفاعتهن لترتجى» و جهل أنه ليس من كلام الله و لا نزل به جبريل، و جهل أنه كفر صريح يوجب الارتداد و دام على جهة حتى سجد و سجدوا فى آخر السورة و لم يتنبه ثم دام على جهله

## داستان غرانیق

- حتی نزل علیه جبریل و أمره أن يعرض عليه السورة فقرأها عليه و أعاد الجملتين و هو مصر على جهله حتى أنكره عليه جبریل ثم أنزل عليه آية تثبت نظير هذا الجهل الشنيع و الخطيئة الفضيحة لجميع الأنبياء و المرسلين و هي قوله: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ».

## داستان غرائق

- و بذلك يظهر بطلان ما ربما يعتذر دفاعا عن الحديث بأن ذلك كان سبقا من لسان دفعه بتصرف من الشيطان سهوا منه ع و غلطا من غير تفتن.
- فلا متن الحديث على ما فيه من تفصيل الواقعة ينطبق على هذه المعذرة، و لا دليل العصمة يجوز مثل هذا السهو و الغلط.

## داستان غرائق

- على أنه لو جاز مثل هذا التصرف من الشيطان في لسانه ص بإلقاء آية أو آيتين في القرآن الكريم لارتفع الأمن عن الكلام الإلهي فكان من الجائز حينئذ أن يكون بعض الآيات القرآنية من إلقاء الشيطان ثم يلقي نفس هذه الآية «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ» الآية فيضعه في لسان النبي و ذكره فيحسبها من كلام الله الذي نزل به جبريل كما حسب حديث الغرائق كذلك فيكشف بهذا عن بعض ما ألقاه و هو حديث الغرائق ستر على سائر ما ألقاه.

## داستان غرائق

- أو يكون حديث الغرائق من كلام الله، و آية «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ» إلخ، و جميع ما ينافى الوثنية من كلام الشيطان و يستر بما ألقاه من الآيات و أبطل من حديث الغرائق على كثير من إلقاءاته في خلال الآيات القرآنية، و بذلك يرتفع الاعتماد و الوثوق بكتاب الله من كل جهة و تلغو الرسالة و الدعوة النبوية بالكلية جلت ساحة الحق من ذلك

## داستان غرائق

- این داستان مورد انکار علمای اهل سنت قرار گرفت. آنها معتقد بودند که این افسانه با شأن حضرت سازگار نیست و فقط خیالپردازی‌هایی است که برخی مورخان و مفسران نادان نقل کرده‌اند. افزون بر این، در منابع معتبر روایی اهل سنت نیز اثری از این افسانه وجود ندارد.

## داستان غرائق

- اما اگر به خود داستان نگاه کنیم، عدم صحت آن به وضوح آشکار است:
- اولاً: در این قصه نقل شده که حضرت در هنگام نزول وحی، آیات را بلند بلند تلاوت می نمود؛ در حالی که در روایات دیگر، تلاوت نمودن آیات وحی در هنگام نزول آنها، وارد نشده است.



## داستان غرانیق

- ثانیاً: در این قصه آمده که مسلمانان حبشه در همان روز بلافاصله - و قبل از این که شیطانی بودن آیات بر حضرت معلوم گردد - خبر صلح بین مسلمانان و مشرکان را شنیده و به عربستان برگشتند؛ در حالی که با امکانات امروزی نیز چنین امری بسیار مشکل است، چه رسد به امکانات آن زمان که نه پیشرفت‌های اینترنتی و خبری وجود داشت و نه وسیله‌ی حمل و نقل سریع مثل هواپیما. یقیناً رسیدن خبر به حبشه و بازگشت مسلمانان به حجاز، ماه‌ها طول می‌کشید.

## داستان غرانیق

- ثالثاً: در داستان نقل شده که جبرئیل در مقابل حضرت، با لحن تند و عتاب آمیز سخن گفته است؛ در حالی که چنین چیزی با شأن و مقام حضرت ناسازگار است و مخالف تعابیری است که در قرآن در مورد مقام حضرت ذکر شده است.

## داستان غرائق

- در هر حال افسانه‌ی آیات شیطانی یا افسانه‌ی غرائق، دو جنبه دارد:
- از یک سو، عصمت وحی از خطا را مخدوش می‌سازد و امکان مداخله‌ی موجودی مثل شیطان را در میانه‌ی وحی منتفی نمی‌داند و از سوی دیگر دریافت کننده‌ی وحی را در دریافت وحی معصوم از خطا نمی‌بیند؛ او ممکن است چیزی را که واقعاً وحی نیست، به اسم وحی دریافت کند و در عین حال نفهمد که وحی نیست.

## داستان غرائق

- این دو جنبه، همان چیزهایی هستند که هم اکنون در صدد نفی آن هستیم و ابتدا از بحث مصون بودن خود وحی از خطا شروع می‌کنیم، زیرا جنبه‌ی دوم یعنی بحث «عصمت دریافت کننده‌ی وحی از خطا در تلقی»، بحثی است که از یک سو به قرآن مرتبط است و از سوی دیگر مدخل بحث سنت قرار می‌گیرد؛ اما جنبه‌ی اول فقط به خود قرآن مربوط می‌شود.

## داستان غرائق

- برخی از معاصرین این سخنان را تکرار کرده‌اند. برای توضیح کلام اقبال و نقد آن توسط شهید مطهری رجوع کنید به مهدی هادوی تهرانی، باورها و پرسش‌ها، فصل مربوط به خاتمیت.

## داستان غرائق

- وی از مخالفان سرسخت ایران و صاحب نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها است.
- زمانی که وی به آن اشاره می‌کند، دقیقاً همان زمانی است که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است. انقلاب در سال ۱۹۷۹ میلادی به پیروزی رسید.

## داستان غرائق

- واضح است که سخنان او فقط متوجه اسلام نیست.
- غرائق جمع غرنوق است و غرنوق به معنای قو (پرنده‌ی زیبا) می‌باشد که در ادبیات عرب همچون ادبیات سایر زبان‌ها، برای بیان زیبایی به کار می‌رفته و می‌رود. مراد از این دو عبارت این است که این سه بت (لات و منات و عزی)، قوهای آسمانی و برجسته هستند که امید به شفاعت آنها می‌رود. این مطلب همان مضمون مورد اعتقاد مشرکان بود.
- در عبارات آنها لفظ نادان نیز وجود دارد.
- یادآور می‌شویم که شیعه اصلاً چنین داستانی را نقل نکرده است.